

آثار تأسیس جدید موانع تحقق جرم بر تشریفات اداری - قضایی رسیدگی به جرایم از دیدگاه حقوق اداری

پویا پژوهی*

محمد شمس ناتری**

چکیده

برای تحقق جرم، تجمیع سه عنصر روانی، مادی و قانونی نیاز است. در وضعیت تقنینی فعلی، موانع مسئولیت کیفری به دو دسته عوامل موجهه جرم و عوامل رافع مسئولیت کیفری تقسیم می‌شود. با این حال، نبود برخی عناصر می‌تواند به طور کلی مانع تحقق جرم شود که در جریان امور اداری قضایی دادسرا اهمیت دارد. این پژوهش به روش تحلیلی - توصیفی انجام شده و هدف آن است که آثار تأسیس جدید موانع تحقق جرم بر تشریفات اداری دادسرا بررسی شود. نتیجه چنین شد که مرز میان موانع تحقق جرم با دو تأسیس کنونی یادشده در قانون مجازات اسلامی خلط شده است که از نظر حقوقی به تفکیک نیاز دارد. در صورت تحقق نیافتن جرم، بسیاری از تشریفات دادرسی کیفری که از اصول حقوق اداری قضایی محسوب می‌شود، مثل قرار تعقیب، تأمینات و بازداشت متهم باید لغو شود و جریان تحقیقات نیز مسیری دیگر را در پیش گیرد. در واقع، برخورد مسئولان قضایی با مرتکب، مانند مجرم نخواهد بود. در این باره نیاز است که ضابطان دادگستری با نظام قضایی هماهنگی اداری کامل‌تری داشته باشند تا تشریفات اداری دادرسی کیفری در خصوص تأسیس جدید یادشده به درستی اجرایی شود. رسیدگی خاص و جزئی به مسئله انتساب جرم نیز در تأسیس جدید نیاز هست که مستلزم همکاری تنگاتنگ و بدون فوت وقت دو نهاد قضایی دادسرا و دادگاه است.

کلیدواژه‌ها: تحقق جرم، مسئولیت کیفری، عناصر متشکله جرم، حقوق اداری قضایی، دادرسی کیفری.

*. دانش آموخته مقطع کارشناسی ارشد رشته حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه تهران.

ppzhwhy71@gmail.com

** .دانشیار گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه تهران، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)

shkwrymqswd@gmail.com

قانون مجازات اسلامی، مصوب ۱۳۹۲	ق.م.ا
قانون آیین دادرسی کیفری، مصوب ۱۳۹۴	ق.آ.د.ک
قانون به کارگیری سلاح توسط مأمورین نیروهای مسلح در موارد ضروری، مصوب ۱۳۷۳	ق.س

«فهرست علایم و اختصارات»

مقدمه

در نظام اداری - قضایی کنونی، به محض تشخیص اولیه وقوع جرم، جریان تحقیقات از دادسرا آغاز می‌شود. ارتکاب جرم به سبب وقوع سه عنصر مادی، روانی و قانونی فعل یا ترک فعل غیر قانونی است. «ق.آ.د.ک»، منبع حقوقی اصلی در خصوص تشریفات اداری - قضایی مسائل کیفری است، اما این منبع در خصوص عناصر شاکله جرم مطلبی بیان نکرده است و در جریان تحقیقات، «ق.م.ا» نیز نقش مهمی دارد. بنابراین، با فرض ارتکاب جرم، دادسرا به تأمین متهم اقدام می‌کند. در نهایت، در جریان دادرسی در شعبه کیفری، مجرم ممکن است به سبب برخی عوامل از مجازات معاف شود. در واقع، فاعل عمل مجرمانه، مجرم شمرده می‌شود و تشریفات اداری - قضایی در خصوص مجرمان برای وی اعمال می‌گردد، اما در نهایت، با اثبات مجرمیت، از مجازات معاف خواهد شد.

این در حالی است که حسب نظریه‌های مهم حقوق کیفری، برخی از عوامل رافع مجازات، به صورت کلی، مانع تحقق جرم می‌شود و اگر تأسیس «موانع تحقق جرم» در حقوق کیفری ایجاد شود، در جریان تشریفات اداری - قضایی، متهم از بدو شناسایی می‌تواند از مزایای منع تعقیب بهره ببرد. بنابراین، در صورت اصلاح تأسیسات یادشده در «ق.م.ا»، جریان اداری تحقیقات قضایی به طور کلی متأثر می‌شود.

خالقی و رجبی (۱۳۹۲) به تحلیل معیار نوعی در عنصر روانی جرم قتل عمدی با دیدگاه تطبیقی پرداختند. بیگلری (۱۳۹۶)، عنصر روانی جرم بین‌المللی نسل‌زدایی را در فقه و حقوق بررسی کرده است. صالح‌آبادی و توده (۱۳۹۶)، نقش اراده را در عنصر روانی جرم بررسی کردند. ایمانی (۱۳۹۸) نیز به تطبیق شاخص‌های عنصر روانی جرم در نظام حقوقی ایران و انگلستان پرداخت.

تحقیقات حقوق کیفری عمدتاً بر تحلیل ماهوی مسئولیت کیفری متمرکز بوده‌اند، اما در خصوص مرز میان تأسیس موانع تحقق جرم و خلط آن با دو تأسیس «عوامل موجهه جرم» و «موانع مسئولیت کیفری»، تحقیقی انجام نشده است. پژوهش حاضر برای نخستین بار به این موضوع مهم پرداخته است. با تأسیس جدید، تشریفات اداری دادسرا نیز که آغاز

تحقیقات کیفری از آن‌جا شکل می‌گیرد، متأثر خواهد شد. بنابراین، جنبه نوآوری پژوهش کنونی، بررسی مرز بین تأسیس‌های سه‌گانه حقوق کیفری و اثرگذاری آن بر جریان اداری دادسراست.

سؤال پژوهش این است که اثر تأسیس «موانع تحقق جرم» بر جریان اداری - قضایی رسیدگی به جرایم چیست؟ چنین فرض می‌شود که در صورت تأسیس مورد نظر، تشریفات اداری رسیدگی به جرایم در دادسرا به ساده‌ترین صورت ممکن رخ می‌دهد که موجب بهینه‌سازی انرژی و زمان در جریان اداری - قضایی خواهد شد. هدف پژوهش نیز بررسی اثر تأسیس جدید موانع تحقق جرم بر تشریفات اداری - قضایی رسیدگی به جرایم است. در این پژوهش ابتدا مبانی آن شامل تشریفات اداری دادسرا و اثر مجرمیت بررسی می‌شود و سپس از دیدگاه حقوق کیفری، موانع تحقق جرم واکاوی خواهد شد. در مبحث بعدی، ضمن بررسی اصول اداری حاکم بر رسیدگی جرم، زمینه برای شناسایی خلأهای حقوق اداری فراهم می‌آید که در مبحث پایانی به آن پرداخته شده است. در نهایت، نتیجه‌گیری و پیشنهادهایی آمده است.

گفتار اول. رسیدگی به جرایم

نظام قضایی دارای سیستم اداری خاصی است که از ماهیت قضایی آن ریشه می‌گیرد. چون نظام اداری با مسائل اجرایی پیوندی عمیق دارد، قوه مجریه، رأس نظام اداری کشور به شمار می‌آید و استانداران نیز در سطح استان، مدیران عالی اداری محسوب می‌شوند. قوه قضاییه از نظر اداری و مدیریتی، مستقل از قوه مجریه است، اما این قوه نیز به قوه محرکه نیازمند است و در حیطه امور خود، با مسائل اجرایی - اداری ارتباط دارد.^۱ در واقع، نظام اداری قوه قضاییه تنها از نظر ارتباطی، مستقل از قوه مجریه است، ولی از نظر ماهیت اداری، تقریباً مانند قوه مجریه است.^۲

با توجه به اهمیت خاص قوه قضاییه در کشور، تشریفات اداری رسیدگی به پرونده‌ها، در منبعی حقوقی به نام «آیین دادرسی» تنظیم شده که در امور مدنی و کیفری متفاوت است. بنابراین، جریان اداری نظام قضایی در مرحله نخست در چارچوب آیین دادرسی قرار دارد و

۱. آرای، مسعود و فرامرز عطریان، «واکاوی هیئت حل اختلاف ماده ۳۸ قانون اصلاح و تسری آیین‌نامه معاملات شهرداری تهران به کلان‌شهرها و نظارت بر آرای آن»، فصل‌نامه علمی پژوهش‌های نوین حقوق اداری، دوره چهارم، مهر ۱۴۰۱، شماره ۱۲، صص ۱۲۸۱-۱۰۵.

۲. انصاری، علی و حسین دهقانی، «حسن نیت در حقوق دادرسی»، حقوق اداری، دوره چهارم، ۱۳۹۶، صص ۱۰۹ - ۱۳۳، ص ۱۱۰.

سپس در حیطه اختیارات مسئولان، در قالب بخش‌نامه‌های صادرشده خواهد بود. بحث در خصوص جریان دعاوی مدنی از قلمرو پژوهش کنونی خارج است و در این بخش، مبانی اداری - قضایی رسیدگی به جرایم واکاوی شده است.

بند اول. تشریفات اداری - قضایی دادسرا

رسیدگی به تمامی جرایم از دادسرا آغاز می‌شود و پس از پیمودن مراحل تحقیقات اولیه، پرونده برای صدور رأی به شعبه کیفری دادگاه می‌رود. امور اداری - قضایی رسیدگی به جرایم در بخش جداگانه‌ای از آیین دادرسی کیفری بررسی می‌شود که به آیین دادرسی کیفری معروف است. این منبع حقوقی بارها اصلاح شد و در نهایت، آخرین اصلاحات آن در سال ۱۳۹۴ صورت گرفت که مهم‌ترین منبع حقوق اداری در جریان رسیدگی به جرایم محسوب می‌شود. به موجب ماده یکم آن، «آیین دادرسی کیفری، مجموعه مقررات و قواعدی است که برای کشف جرم، تعقیب متهم، تحقیقات مقدماتی، میانجی‌گری، صلح میان طرفین، نحوه رسیدگی، صدور رأی، طرق اعتراض به آراء، اجرای آراء، تعیین وظایف و اختیارات مقامات قضایی و ضابطان دادگستری و رعایت حقوق متهم، بزه‌دیده و جامعه وضع می‌شود».

به طور کلی، بر اساس مفاد «ق.آ.د.ک»، ارتکاب جرم با شکایت شاکی خصوصی، اطلاع دادستان از موضوع، گزارش‌های ضابطان دادگستری و دیگر مقامات مسئول به دادسرا اعلام می‌گردد. در صورت کفایت ادله اتهام، متهم فراخوانده و حسب میزان جرم، قرار تأمین برایش صادر می‌شود. دادسرا به کمک ضابطان، تحقیقات را آغاز و ادله اثبات جرم را جمع‌آوری و تکمیل می‌کند تا در ادامه از آن برای اثبات مجرمیت استفاده شود که در «ق.آ.د.ک» به صراحت ذکر شده است. با تجمیع ادله، دادستان، خود، در مقام شاکی قرار می‌گیرد و پرونده را برای صدور حکم به دادگاه می‌فرستد. در نهایت، بر همین مبنا، حکم صادر و جریان فرجام‌خواهی آن نیز پیموده می‌شود. دادسرا نیز مسئول اجرای احکام کیفری است و پس از صدور رأی، به طور مستقیم برای اجرا اقدام خواهد کرد.

در دو تأسیس کنونی که در «ق.م.ا» ذکر شده است، مجرمیت وجود دارد، ولی مجازاتی برای مجرم لحاظ نمی‌شود. بنابراین، به محض اطلاع از این وضعیت، دادسرا، خود را به پیمودن تشریفات اداری - قضایی ملزم می‌داند و برای بازداشت متهم و پیمودن مراحل دادرسی اقدام خواهد کرد. در نهایت و در جریان صدور رأی، قاضی شعبه کیفری به تبرئه وی حکم می‌دهد. بر این اساس، جرم صورت گرفته است و تمامی تشریفات اداری - قضایی را باید پیمود، ولی در نهایت، مجرم از مجازات مبرا است.

تشخیص ماهیت جرم، از حیطه امور اداری خارج است و حسب منابع مختلف حقوق

کیفری و در رأس آن، «ق.م.ا» بررسی می‌شود. مسئولان دادسرا که از امور حقوق کیفری به خوبی اطلاع دارند، حسب ماهیت جرم که قانون‌گذار برای آن مجازات تعیین کرده است، وارد کار می‌شوند. به موجب ماده دوم «ق.م.ا»، هر رفتاری اعم از فعل یا ترک فعل که در قانون برای آن مجازات تعیین شده باشد، جرم محسوب می‌شود. بر اساس این ماده، عنصر قانونی جرم باید محرز شود و مسئولان قضایی به موجب اطلاعاتی که از فعل یا ترک فعل مجرمانه دارند، وارد عمل خواهند شد.

بند دوم. اثر مجرمیت بر تشریفات اداری

دادسرا در صورتی به قضیه ورود می‌کند که مستندات اولیه از وقوع جرم در دسترس باشد. تشخیص کفایت مستندات اولیه بر عهده مقام قضایی (حسب نیاز دادیار، بازپرس یا دادستان) است. بنابراین، دادسرا به جریان تحقیقات ورود می‌کند و بسته به نوع جرم، قرار تأمین برای مرتکب مشخص می‌کند. به موجب ماده ۲۱۷ «ق.آ.د.ک»، به منظور دسترسی به متهم و حضور به‌موقع وی، جلوگیری از فرار یا مخفی شدن او و تضمین حقوق بزه‌دیده برای جبران ضرر و زیان وی، بازپرس پس از تفهیم اتهام و تحقیق لازم، در صورت وجود دلایل کافی، یکی از این قرارهای تأمین را صادر می‌کند:

الف) التزام به حضور با قول شرف؛

ب) التزام به حضور با تعیین وجه التزام؛

پ) التزام به عدم خروج از حوزه قضایی با قول شرف؛

ت) التزام به عدم خروج از حوزه قضایی با تعیین وجه التزام؛

ث) التزام به معرفی نوبه‌ای خود به صورت هفتگی یا ماهانه به مرجع قضایی یا انتظامی

با تعیین وجه التزام؛

ج) التزام مستخدمان رسمی کشوری یا نیروهای مسلح به حضور با تعیین وجه التزام،

با موافقت متهم و پس از اخذ تعهد پرداخت از محل حقوق آنان از سوی سازمان مربوط؛

چ) التزام به عدم خروج از منزل یا محل اقامت تعیین شده با موافقت متهم با تعیین

وجه التزام از طریق نظارت با تجهیزات الکترونیکی یا بدون نظارت با این تجهیزات؛

ح) اخذ کفیل با تعیین وجه‌الکفاله؛

خ) اخذ وثیقه اعم از وجه نقد، ضمانت‌نامه بانکی، مال منقول یا غیرمنقول؛

د) بازداشت موقت با رعایت شرایط مقرر قانونی.

قانون‌گذار با ذکر عنوان «مجرمیت» و مستندات اولیه آن، قرار تأمین صادر می‌کند.

بنابراین، در وضعیتی که مجرمیت وجود دارد، ولی از مجازات معاف است، دادسرا بدون در

نظر گرفتن مجازات شدن یا نشدن وی، رفتار یکسانی خواهد داشت. البته نوع مجازات احتمالی در جریان تعیین نوع تأمین نقش دارد، ولی در اصل صدور قرار تأمین، بین مجرم و غیر مجرم تفاوت هست.^۱ اگر فعل یا ترک فعل ارتكابی به موجب قانون، جرم تلقی نشود، دادسرا هرگز به جریان ورود نمی‌کند و در نهایت، به عنوان شاهد و مطلع، از فرد مورد نظر بازجویی می‌کند. اگر به حضور این فرد در دادگاه نیاز باشد، تأمین‌های نسبتاً ساده برای وی منظور می‌شود. بنابراین، انتساب مجرمیت در جریان تأمین از وی نقشی مهم دارد.

گفتار دوم. تأسیس موانع تحقق جرم

قانون‌گذار، عوامل موجهه جرم را عاملی بر مجازات نکردن دانسته که در واقع با ذکر ماده قانونی، فعل یا ترک فعل مجرمانه را از مجازات معاف دانسته است. این در حالی است که با ذکر این ماده، عنصر قانونی جرم مخدوش است. در تأسیسی دیگر، با وجود انتساب مجرمیت، مجازات برای مجرم اعمال نمی‌شود. این در حالی است که در تأسیس‌های مطرح‌شده، گاهی به طور کلی، جرم محقق نشده است که در این قسمت، در این باره بحث می‌کنیم.

بند اول. خلط با موانع مسئولیت کیفری

قانون‌گذار، فصل دوم از «ق.م.ا» را به موانع مسئولیت کیفری اختصاص داده که چنین است:

۱. فقدان عقل، بلوغ و اختیار (ماده ۱۴۰)

۲. اکراه (ماده ۱۴۰)

۳. افراد نابالغ (ماده ۱۴۶)

۴. وجود اختلالات روانی در حین ارتکاب جرم (ماده ۱۴۹)

این موارد به طور مستقیم از منبع حقوقی مهم «ق.م.ا» استخراج و عنوان رافعیت از مسئولیت کیفری با صراحت برای آن‌ها ذکر شده است. بر این اساس، جرم حادث شده است، ولی برای آن، مسئولیت کیفری وجود ندارد.

در واقعیت، فقدان عقل که به نرسیدن به بلوغ یا جنون اشاره دارد، به معنای نداشتن علم و سوء نیت مرتکب در موضوع جرم است. بنابراین، عنصر روانی جرم مخدوش است و اساساً جرمی اتفاق نیافتاده است. در خصوص اکراه، بسته به نوع فشار واردشده، سوء نیتی برای ارتکاب جرم وجود ندارد و در این مورد نیز جرمی حادث نشده است. از بین عوامل

۱. عباسی، بیژن، حقوق اداری (جلد ۱)، تهران: دادگستر، ۱۴۰۰، ص ۴۳.

یادشده، فقدان اختیار را می‌توان کاملاً در حیطه عوامل رافع مسئولیت کیفری طبقه‌بندی کرد؛ چون اختیار، جزء هیچ یک از عناصر شاکله جرم نیست. بنابراین، جرم محقق شده، ولی مرتکب به سبب اختیار نداشتن مجازات نخواهد شد.^۱

برخی منابع، «اراده» را مترادف با «اختیار» دانسته و این مفاهیم را در قلمرو مسئولیت کیفری جای داده‌اند. بر مبنای مفاهیم حقوق کیفری، اراده و اختیار با وجود ارتباط نزدیک با یکدیگر، هرگز مترادف معنایی ندارند. در نظریه مسئولیت کیفری، اختیار از شرایط انتساب مسئولیت کیفری است.^۲ «اختیار» در لغت به معنای آزادی در انتخاب است. قانون‌گذار در بحث مسئولیت کیفری، فاعلان مکره را از مسئولیت کیفری معاف دانسته است یعنی افرادی که به دلایل مختلف، در تصمیم‌گیری، آزادی ندارند، بی‌اختیار شمرده می‌شوند و مسئولیت کیفری برای آن‌ها منظور نمی‌شود. به طور طبیعی، کسی که از قدرت آزادی انتخاب خود به صورت نادرست استفاده کند و در پرتو این آزادی، عمل مجرمانه انجام دهد، در برابر عمل ناصحیح خود مسئولیت دارد. پیش‌تر، قانون‌گذار در بحث رفع مسئولیت کیفری مجرمان مست، از عبارت «مسلوب الاراده» استفاده کرده بود که بعدها این اصطلاح با عبارت «مسلوب الاختیار» جای‌گزین و اصلاح شد؛ چون فرد مست به دلیل زایل شدن موقتی عقل، قدرت انتخاب ندارد و بی‌اختیار است.

اراده، دستوری از طرف ذهن انسان برای انجام فعل است که به محض صدور، فعل اجرا می‌شود. از این رو، با وجود اختلاف نظر حقوق دانان کیفری، نظریه قرار گرفتن اراده در عناصر مادی تقویت شده است؛ چون به محض صدور دستور از طرف ذهن انسان، فعل اجرا می‌شود و با بحث مادی گره می‌خورد.^۳ زمانی که اختیار یک فرد به هر علتی محدود یا زایل شود، اراده وی به امر منتسب است و در واقع، با اراده امر فعل توسط عامل صورت می‌پذیرد.

به عقیده برخی حقوق دانان، در صورت نبود اختیار، صحبت کردن از اراده بی‌معناست. عکس این قضیه نیز ممکن است. اگر فردی با اختیار کامل تصمیمی بگیرد، اما به هر دلیل، اراده نداشته باشد، هیچ جرمی مرتکب نشده است. در این حالت، مانند مثالی که پیش‌تر بیان شد، به سبب نبود عنصر مادی نمی‌توان جرمی برای وی محقق ساخت. در

۱. بیگلری، پویان، «بررسی عنصر روانی جرم بین‌المللی نسل‌زدایی در فقه و حقوق»، پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب، دوره چهارم، ۱۳۹۶، صص ۱ - ۳۰، ص ۱۵.

۲. نجارزاده، مجید، کمک حافظه حقوق اداری (جلد ۱)، تهران: دوران‌پیشان، ۱۴۰۰، ص ۵۴.

۳. سکندری، محمد، «بررسی فقهی و حقوقی عنصر روانی جرم با نگاهی به حقوق جزای ایران»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه سیستان و بلوچستان، ۱۳۹۹، ص ۶۵.

واقع، شخص با اختیار تصمیم گرفته، اما اراده انجام آن را نداشته است و به همین سبب، قابل سرزنش نیست.

در نتیجه، اختیار به معنای قدرت انتخاب بین چند راه است و انسان باید از نعمت عقل خود در راه انتخاب گزینه‌ها بهره‌برد و در صورت استفاده ناصحیح از این قدرت، مسئولیت کیفری دارد. «ق.م.ا» نیز به صراحت، اختیار را از شرایط انتساب مسئولیت کیفری دانسته است. اراده نیز به معنای صدور دستور ذهنی برای ارتکاب فعل مجرمانه است که با توجه به نبود خلأ زمانی بین اراده و ارتکاب فعل، زیرمجموعه عنصر مادی جای دارد و هم در بحث تحقق مسئولیت کیفری و هم در بحث تحقق جرم، جزئی از عناصر آن شمرده شده که این نیز گونه‌ای دیگر از خلط حدود است.

در جرایم مستوجب حد، اگر سوء نیت نداشتن ثابت شود، مسئولیت کیفری متهم مرتفع می‌شود. در نظریه مورد بحث نیز می‌توان به طور کلی، جرم را تحقق نیافته دانست. مثال حقوقی مهم در این باره، نوشیدن مشروبات الکلی توسط اقلیت‌های مذهبی مقیم کشور است. با توجه به نبود منع شرعی این گونه نوشیدنی‌ها در ادیان غیر اسلام، نوشیدن آن‌ها توسط اقلیت‌های مذهبی بدون نیت مجرمانه است و اگر در محدوده خاص خود و به دور از جامعه اسلامی باشد، جرمی محقق نمی‌شود و قابل تعقیب نیست.^۱ در «ق.م.ا» باز هم از عنوان مسئولیت کیفری استفاده شده، در حالی که بنا به مثالی که بیان شد، اصولاً جرمی تحقق نیافته است. در این جا بار دیگر خلط وارد شده دو نظریه در اجزای عنصر روانی مشهود است.

تنها مصداقی از موانع مسئولیت کیفری که جرم در آن تحقق یافته است و اختلاط مرزها در آن مشهود نیست، نداشتن اختیار است که در عناصر شاکله جرم وجود ندارد و در عین حال، مانع ارتکاب جرم محسوب می‌شود.

بند دوم. خلط با عوامل موجهه جرم

در ادامه فصل دوم از «ق.م.ا» که به موانع مسئولیت کیفری می‌پردازد، ضمن ذکر عنوان «مجازات نمی‌شود»، عنصر قانونی جرم را مستقیماً نادیده انگاشته و به صورت کلی، می‌توان این موارد را از موانع تحقق جرم دانست. با این حال، در تفسیری اشتباه، تنها از آن با نام رافعیت مجازات یاد شده است. مصادیق آن حسب مفاد «ق.م.ا» عبارتند از:

۱. اضطراب (ماده ۱۵۲)

۱. صالح‌آبادی، مزگان و حسین توده، «بررسی نقش اراده در عنصر روانی جرم»، سومین همایش ملی پژوهش‌های نوین در حوزه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی ایران، قم، ۱۳۹۶، ص ۶۵.



۲. خواب و بی‌هوشی (ماده ۱۵۳)

۳. مستی و بی‌ارادگی (ماده ۱۵۴)

۴. دفاع مشروع (ماده ۱۵۶)

۵. ارتکاب به حکم قانون (بند اول ماده ۱۵۸)

۶. اجرای اهم قانون (بند ب ماده ۱۵۸)

۷. تربیت فرزندان (بند ت ماده ۱۵۸)

۸. عملیات ورزشی (بند ث ماده ۱۵۸)

۹. عمل جراحی و اقدامات طبی (بند ج ماده ۱۵۸)

مواد ۵۷۴ و ۵۸۰ سابق نیز اثبات امر امر قانونی را بر عهده متهم گذاشته است. دیوان عالی کشور، رأی دادگاه بدوی را در رد ادعای دفاع مشروع به دلیل اثبات نشدن آن توسط مرتکب، ابرام کرده است.^۱ به هر حال، قوانین و رویه قضایی کشور در خصوص بار اثبات عوامل رافع مسئولیت کیفری و عوامل موجهه جرم، حکمی جامع ندارد. البته از ظهور بعضی مواد قانونی یا احکام قضایی می‌توان در این مورد به نکاتی دست یافت.

به نظر می‌رسد اگر دادرسی در وجود عوامل موجهه جرم و عوامل رفع مسئولیت کیفری شک کند و اصلی عملی یا ظهوری عرفی وجود داشته باشد که بتوان دعوی متهم را رد یا قبول کرد، باید به آن تمسک کند و بر اساس آن حکم بدهد که نتیجه آن، گاه مجرمیت و گاه تبرئه متهم است. اگر اصل یا ظهوری وجود نداشته باشد که موضوع را منقح کند، حکم به مجرمیت متهم مشکل است. پس مقام قضایی مکلف است علاوه بر اثبات ارتکاب عمل از ناحیه متهم، نبود عوامل موجهه جرم یا عوامل رافع مسئولیت کیفری یا شروط اجرای مجازات را نیز به اثبات برساند. در غیر این صورت، باید به برائت متهم حکم بدهد؛ زیرا اولاً برای مجازات متهم باید هم وجود مقتضی یعنی تحقق جرم اثبات شود و هم نبود موانع مجازات. ثانیاً تفسیر به نفع متهم که هدف آن، رعایت احتیاط نسبت به جان و مال و آبروی متهم است، با آنچه گفته شد، سازگاری دارد.

در خصوص عوامل یادشده باید گفت: اولاً عنصر قانونی جرم مخدوش است که موجب می‌شود جرم تحقق نیابد. ثانیاً بخشی از اجزای عناصر روانی و مادی نیز مخدوش است، به این شرح:

۱. اضطراب (فقدان سوء نیت)

۲. خواب و بی‌هوشی (فقدان اراده)

۱. غلامی، نبی‌الله، محمود عباسی و سکینه سلطانی کوهبنانی، «مفهوم جنون در قانون مجازات اسلامی؛

موضوعیت یا طریقیّت»، مجله علمی - پژوهشی حقوق پزشکی، دوره چهل و چهارم، ۱۳۹۷، ص ۸۵.

۳. دفاع مشروع (فقدان سوء نیت)

۴. ارتکاب به حکم قانون (فقدان سوء نیت)

۵. اجرای اهم قانون (فقدان سوء نیت)

۶. تربیت فرزندان (فقدان سوء نیت)

۷. عملیات ورزشی (فقدان سوء نیت)

۸. عمل جراحی و اقدامات طبی (فقدان سوء نیت)

قانون‌گذار در خصوص خطای جزایی که بدون سوء نیت است، ضمن برشمردن مصادیق آن و محسوب کردن به عنوان جرم، تنها نوع مجازات را تغییر داده و به سمت دیه هدایت کرده است. بنابراین، به سبب صراحت قانون در این خصوص و خاص بودن عنصر قانونی آن، نبود سوء نیت نمی‌تواند علتی بر تحقق نیافتن جرم تلقی شود.^۱ در خصوص دیگر مصادیق عوامل موجهه جرم که درباره آن‌ها توضیح داده شد، عناصر روانی یا مادی به علاوه عنصر قانونی آن‌ها مخدوش است و اساساً جرمی حادث نشده است.

بند سوم. بی توجهی قانون‌گذار

گفتیم که به موجب نظر اکثریت حقوق‌دانان کیفری که نظرهای فقهی نیز بر آن اثرگذار بوده، تجمیع سه عنصر روانی (شامل علم و سوء نیت)، مادی (اراده و فعل ارتكابی) و قانونی (جرم‌انگاری) برای تحقق جرم نیاز است که البته برخی منابع، اراده را زیرمجموعه عنصر روانی قرار داده‌اند.^۲ متأسفانه، قانون‌گذار در این خصوص، صراحت لازم را ندارد. البته ذکر ماده دوم «ق.م.ا» در خصوص تعریف جرم، خود، دلیلی بر لزوم جرم‌انگاری فعل یا ترک فعل مجرمانه است. در خصوص عنصر روانی، ماده ۱۴۴ اشعار دارد که در تحقق جرایم عمدی علاوه بر علم مرتکب به موضوع جرم باید قصد او در ارتکاب رفتار مجرمانه احراز گردد. در جرایمی که وقوع آن‌ها بر اساس قانون به تحقق نتیجه منوط است، قصد نتیجه یا علم به وقوع آن نیز باید محرز شود. در خصوص عنصر روانی نیز می‌توان حسب تفاسیر موسّع از بحث‌های اکراه، اجبار و جنون، عنصر مادی را یافت.

بنابراین، قانون‌گذار، بسیار پراکنده، عوامل تحقق جرم را تنظیم کرده است که نیاز بود در تأسیسی جداگانه و صریح، این عناصر را ذکر می‌کرد؛ چون عناصر شاکله جرم در حقوق کیفری، جایگاهی ویژه دارد و نظرهای مکرر در این خصوص، هویدای تعریف دقیق آن است. همان گونه که بیان شد، به جز بحث اختیار و فقدان آن که دقیقاً با وجود احتساب

۱. عسکری، امیر و بیژن عباسی، سازمان‌های اداری و محلی، تهران: امجد، ۱۴۰۰، ص ۳۲.

۲. امامی، محمد و کورش استوارسنگری، حقوق اداری (جلد ۲)، تهران: میزان، ۱۴۰۰، ص ۱۴۳.

به عنوان جرم، فاقد مسئولیت کیفری دانسته شده، دیگر مصادیق عوامل موجهه جرم یا موانع مسئولیت کیفری، یکی از عناصر یادشده را ندارند که در این خصوص توضیح داده شد. بنابراین، به نظر می‌رسد که قانون‌گذار کیفری به نظر جمهور حقوق‌دانان توجه چندانی نکرده و در تأسیسی خلط‌شده، بسیاری از مسائل را نادیده انگاشته است.

گفتار سوم. اصول اداری رسیدگی به جرایم

در خصوص نحوه اطلاع‌رسانی جرایم به دادسرا و تحقق جرم نیز توضیح داده شد. دادسرا حسب اختیارات اداری - قضایی خود که نوعی خاص از مسائل اداری محسوب می‌شود،^۱ مسئولیت پی‌گیری جرایم حادث را عهده‌دار است. در واقع، رسیدگی قضایی به جرایم، بر خلاف دعاوی مدنی، از دادگاه آغاز نمی‌شود و این موضوع به صراحت در آیین دادرسی ذکر شده است. بنابراین، در نگاه نخست، عنصر قانونی جرم و شناخت فعل یا ترک فعل به عنوان جرم نقش مهمی در امور اداری - قضایی دادسرا دارد. اکنون در این باره توضیح می‌دهیم.

بند اول. در صورت توجیه جرم

گفتیم که تا قانون‌گذار، فعل یا ترک فعلی را جرم‌انگاری نکرده باشد، نمی‌توان با مرتکب آن برخورد کرد. قانون‌گذار با تأسیس عوامل رافع مسئولیت کیفری و عوامل موجهه جرم، این قبیل ارتکاب‌ها را از مسئولیت مبرا دانسته، اما تشریفات اداری - قضایی این موارد همچنان دست و پاگیر است.

برای مثال، پس از شهادت چند مأمور نیروی انتظامی به دست اشرار، انتقادهای زیادی به «ق.س» مطرح شد که بر این اساس، شرایط سخت حقوقی در استفاده از سلاح موجب استرس نیروهای مسلح در استفاده از آن می‌شود، به گونه‌ای که در بیش‌تر مواقع، تلاش می‌کنند از سلاح استفاده نکنند.^۲ همین امر موجب شهادت چند مأمور نیروی انتظامی به دست اشراری شده بود که به سلاح سرد مسلح بودند. این حوادث برای چهره پلیس کشور خوش‌آیند نیست. جدا از مسائل تقنینی، ممکن است رویه قضایی و تشریفات دادرسی به این موضوعات هم بسیار زمان‌بر و دست و پاگیر باشد.

۱. دانش ناری، زهرا و سید احمد حبیب‌نژاد، «آسیب‌شناسی ساختار و صلاحیت هیئت رسیدگی به امور مراکز فرهنگی: ارائه الگوی مطلوب دادرسی اداری»، فصل‌نامه علمی پژوهش‌های نوین حقوق اداری، دوره چهارم، مهر ۱۴۰۱، شماره ۱۲، صص ۶۲۳۷.

۲. فتحی، مرتضی، عادل ساریخانی و رضا رضایی، «تأثیر مستی بر مسئولیت کیفری در حقوق کیفری ایران، اسکاتلند و فقه اسلامی»، پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب، دوره هشتم، ۱۴۰۰، ص ۸۵.

رئیس قوه قضاییه در پاسخ به انتقادهای از این قانون، آن را کامل و جامع دانست، ولی ادعان کرد که رویه اداری - قضایی رسیدگی به تیراندازی مأموران پیچیده است که مأمور را از تیراندازی، حتی در صورت ضرورت باز می‌دارد. در خصوص عوامل موجهه جرم نیز همین مسئله صادق است. حالت‌هایی مثل اضطرار، دفاع مشروع و چند مورد دیگر از عوامل رافع مسئولیت کیفری شمرده شده، ولی پی‌گیری قضایی در این مورد چنان زمان‌بر و پیچیده است که افراد را از انتخاب این گزینه‌ها باز می‌دارد. حتی در خصوص کمک به دیگران باید رویه قضایی معتدلی را با این هدف انتخاب کرد که افراد در اجرای این فعل، اختیار لازم را داشته باشند و از ترس پی‌گیری‌های پیچیده قضایی از این اقدام خودداری نکنند.^۱

افعال اداری - قضایی در چارچوب قانون آیین دادرسی کیفری و دیگر منابع حقوقی توسط ریاست قوه قضاییه قابل ابلاغ است و در حقوق اداری - قضایی جای دارد. بنابراین، بر اساس این اختیارات می‌توان مانع از آن شد که جریان پی‌گیری‌های قضایی موجب نادیده انگاشته شدن برخی حقوق گردد. در حقیقت، می‌توان گفت در مواردی که قانون‌گذار با هدف برخی مصالح اجتماعی، ارتکاب برخی افعال به ظاهر مجرمانه را مجاز شمرده است، نباید رویه اداری - قضایی داسرا به گونه‌ای باشد که موجب تردید در ارتکاب آن شود؛ چون این ارتکاب، لازمه برخی مصالح اجتماعی است. در چارچوب قانون نباید رویه اداری را چنان سخت کرد که اثر قانون‌گذاری خنثی شود.

برای نمونه، گزارش‌های مکرری از قصاص محیط‌بانانی منتشر می‌شود که درگیری با شکارچیان غیر مجاز تیراندازی کرده‌اند. این در حالی است که محیط‌بانان در حیطه امور طبیعی، ضابط دادگستری محسوب می‌شوند. این افراد نیز ملزم به رعایت «ق.س» هستند، اما گاهی به سبب ناتوانی در اثبات وضعیت تیراندازی، به قصاص محکوم می‌شوند. در واقع، این قبیل اقدامات قضایی، کمک به شکارچیان غیر مجاز محسوب می‌شود. بنابراین، جریان اداری - قضایی تحقیقات در داسرا باید به صورت مناسب تعدیل شود تا حقی از افراد ضایع نگردد.

بند دوم. در صورت تحقق نیافتن جرم

با توجه به تعریف مجرمیت در «ق.آ.د.ک» و جواز ورود نظام قضایی به بررسی این موضوع مهم، اگر تأسیس «موانع تحقق جرم» صورت پذیرد، باید از مرتکب تنها به عنوان شاهد یا مطلع دعوت کرد.^۲ در بررسی مفاد کلی آیین دادرسی کیفری که سند اداری داسرا نیز

۱. محمدی، حمید، مسئولیت کیفری ناشی از فعل غیر در حقوق کیفری ایران و مصر، تهران: گنج دانش، ۱۳۹۵، ص ۵۴.

۲. طباطبایی مؤتمنی، منوچهر، حقوق اداری (جلد ۱)، تهران: میزان، ۱۴۰۰، ص ۱۹۰.

محسوب می‌شود، در صورت ارتکاب فعل به ظاهر مجرمانه، دادسرا باید تحقیقات خود را آغاز کند. اگر با شرایطی که قانون‌گذار، آن را از موانع تحقق جرم می‌داند، دادسرا بررسی را آغاز کند، فراخوانی مرتکب تنها جنبه بازجویی خواهد داشت و نمی‌توان مانند مجرم با وی برخورد کرد.^۱ با این شرایط، تحقیقات اولیه در خصوص مخدوش شدن عناصر شاکیه جرم در همان دادسرا انجام می‌شود و تنها در صورت تردید در ادله تحقق نیافتن جرم می‌توان برای مرتکب تأمین قرار داد.^۲

به محض احراز خدشه‌دار شدن عناصر شاکیه، مجرم نبودن فرد برای دادسرا محرز می‌شود و حسب مفاد «ق.آ.د.ک» باید قرار منع تعقیب و منع بازداشت برای مرتکب صادر گردد. تنها به سبب اطلاعاتی که مرتکب دارد، می‌توان با هدف حضور وی در دادگاه، تأمین‌های مختصری از وی گرفت. به طور طبیعی، تأمین‌های گرفته‌شده از فرد مطلع با تأمین‌های شخص مجرم تفاوت‌های اساسی دارد. البته برخی معتقدند که در خصوص تبرئه متهم، تنها دادگاه تصمیم می‌گیرد. بر حسب اختیارات قضایی مقامات دادسرا که در «ق.آ.د.ک» ذکر شده است، به محض احراز تحقق نیافتن جرم باید دستور منع تعقیب و منع بازداشت صادر کرد. در معادلانه‌ترین تفسیر موسع می‌توان نوع تأمین دریافت‌شده را به ساده‌ترین حد ممکن تقلیل داد؛ چون احتمال محکومیت مرتکب بسیار پایین است. البته با توجه به اختیار دخالت دادگاه کیفری در برخی مراحل تحقیقات می‌توان رسیدگی به موضوع تحقق نیافتن جرم را خارج از نوبت بررسی کرد و با دخالت دادگاه، فوری منع تعقیب صورت گیرد.

گفتار چهارم. بایسته‌های تقنینی - اداری

تا این جا به چالش‌های بخش تقنینی و اداری - قضایی اشاره شد. با هدف اجرای بهتر عدالت باید این چالش‌ها برطرف شوند. ذیل این مبحث، موردهایی بررسی شده است که به آن‌ها می‌پردازیم.

بند اول. تغییرات در قانون مجازات اسلامی

به چالش اختلاط مرز چند تأسیس در «ق.م.ا» اشاره شد. اولین اقدام قانون‌گذار باید تفکیک دقیق این تأسیسات باشد. در قدم نخست باید تأسیسی به نام شرایط تحقق جرم

۱. مصباح‌زاده، نجیبه، «تحلیل عنصر روانی جرم در حقوق کیفری ایران و افغانستان و فقه امامیه»،

پایان‌نامه کارشناسی ارشد، جامعه المصطفی‌العالمیه، ۱۳۹۸، ص ۵۴.

۲. آقای‌نیا، حسین، جرایم علیه اشخاص (جلد ۱)، تهران: میزان، ۱۳۹۵، ص ۷۶۵.

ایجاد گردد که ماده دوم قانون فعلی نیز برای تعریف عنصر قانون جرم در این بخش وارد شود. در این تأسیس باید تعریف عناصر روانی مادی و قانونی به صراحت بیاید و در خصوص اختلاف بین حقوق دانان در خصوص جایگاه اراده بین عناصر مادی یا روانی، وضعیت آن مشخص گردد. بنابراین، تعریف دقیق و کامل از عناصر شاکیه جرم در این قسمت انجام شود و مخدوش شدن هر یک از این عوامل می‌تواند دلیلی بر تحقق نیافتن جرم باشد. در تأسیس موانع مسئولیت کیفری، تنها می‌توان اختیار را قرار داد؛ چون شرایط فقدان اختیار برای وضعیتی که جرم حادث شده، ولی نمی‌توان شخص را مجازات کرد، صادق است. در بخش عوامل موجهه جرم نیز می‌توان برخی مصادیق را قرار داد. البته جرایم غیر عمدی در هیچ یک از این سه دسته جای ندارد؛ چون هم جرم محقق شده و هم دارای مجازات است. با این حال، نوع مجازات آن با حالت عمدی تفاوت دارد.^۱ در تأسیس عوامل موجهه جرم می‌توان چند مصداق خاص را قرار داد. بنابراین، می‌توان به بحث تحقق جرم خوش‌بین بود تا در این صورت، جریان اداری - قضایی تحت تأثیر این مهم قرار گیرد.

بند دوم. تغییرات در دادرسی کیفری

در «ق.آ.د.ک» با صراحت از اثر مجرمیت صحبت نشده، اما تمامی تشریفات دادرسی به ارتکاب فعل مجرمانه وابسته دانسته شده است. نظام قضایی در این شرایط با دو دغدغه روبه‌روست. اولاً باید با سخت‌گیری در جریان تحقیقات، امکان سوء استفاده را به حداقل رساند تا عاملی بر پیش‌گیری از جرم تلقی شود. از طرف دیگر، متهم نیز دارای حقوقی است و نمی‌توان آن را نادیده انگاشت.^۲ پس باید بین این دو مورد تعادل ایجاد کرد. در وضعیت کنونی، سخت‌گیری در خصوص تحقیقات، با توجه به مثال‌هایی که بیان شد، موجب تردید در ارتکاب برخی افعال می‌گردد. برای مثال، اگر فردی در مقام دفاع از خود قرار گیرد، می‌کوشد با هدف فرار از تشریفات پیچیده دادرسی که محتمل است به قصاص وی بیانجامد، از حق خویش صرف نظر کند. در این صورت، فردی که در مقام دفاع مشروع، مرتکب قتل می‌شود، درگیر پیچ‌وخم‌های اداری - قضایی می‌گردد و محتمل است به سبب عدم تشخیص قاضی مبنی بر تناسب ارتکاب فعل، حکم قصاص برایش صادر شود.^۳ در صورت رخ دادن مورد مشابه باید رویه اداری معتدل‌تری در پیش گرفت و با سخت‌گیری نسبتاً ساده‌تر، آله این مهم را پذیرفت. بنابراین، نظام قضایی باید تعادل بین

۱. محمدحسینی، شاپور، محمود مال میر، محمد اشرافی و مسعود حیدری، «جایگاه علم به قانون در رابطه با ارکان جرم»، تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، دوره یازدهم، ۱۳۹۷، ص ۳۵.
۲. رستمیان، پیمان، محمدحسین حجابیان و حسن‌علی مؤذن‌زادگان، «بررسی سوء نیت در اقسام جنایت در فقه و حقوق ایران»، تحقیقات حقوقی بین‌المللی، دوره دوازدهم، ۱۳۹۸، ص ۱۰۰.
۳. ایمانی، معصومه، «بررسی تطبیقی شاخصه‌های عنصر روانی جرم در نظام حقوقی ایران و انگلستان»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تبریز، ۱۳۹۸، ص ۴۳۱.

این مهم را به خوبی مدیریت کند.

در «ق.آ.د.ک» در خصوص شیوه برخورد با غیر مجرم، به صورت پراکنده، مباحثی با عنوان مطلعین و شهود مطرح است. بنابراین، در صورت احراز شرایط تحقق نیافتن جرم می‌توان با دریافت تأمین نسبتاً مناسب و در مدت زمانی کوتاه، تحقیقات را به پایان برد. در خصوص تبرئه در جریان دادرسی یا در دادگاه نیز مباحث مختلفی وجود دارد. برخی معتقدند که دادسرا تنها در صورت محکومیت قطعی شخص ثالث، حق صدور حکم برائت متهم را دارد. برخی دیگر نیز به اختیار دادسرا در صدور حکم برائت اعتقاد دارند. در نظریه معتدل می‌توان گفت که حسب قوت مستندات وقوع جرم و با درخواست دادستان می‌توان جلسه رسیدگی خارج از نوبت، تنها برای بحث تحقق جرم تشکیل داد.^۱

سخت‌گیری در این خصوص باید متعادل شود که هر دو هدف تعالی نظام قضایی تحقق یابد. با توجه به اصل استقلال قضات و انتسابی بودن آن‌ها توسط ریاست قوه قضاییه، این قوه می‌تواند ضمن صدور بخش‌نامه اداری، شیوه سخت‌گیری در خصوص دادرسی موارد تحقق نیافتن جرم را بیان دارد. این بخش‌نامه باید در چارچوب «ق.آ.د.ک» قرار داشته باشد. بنابراین، می‌توان چنین پیشنهاد داد که در موارد تحقق نیافتن جرم، دادسرا باید با هدف حفظ تعادل در اهداف دوگانه یادشده، با دریافت تأمین مناسب، حتی المقدور، متهم را آزاد سازد و ضمن همکاری با شعب کیفری دادگستری، خارج از نوبت، به بحث تبرئه متهم رسیدگی کند.

بند سوم. اصلاح ساختار اداری

رابطه بین دادسرا و دادگاه در ایران به این موارد خلاصه شده است:

۱. تکمیل تحقیقات و ارسال پرونده به شعبه کیفری برای صدور رأی؛^۲
 ۲. صدور رأی در خصوص اختلاف بین بازپرس و دادستان؛
 ۳. حق نظارت قاضی شعبه کیفری بر جریان تحقیقات؛
 ۴. بازگشت پرونده به جریان تحقیقات دادسرا در صورت عدم کفایت ادله اثبات.
- در کشورهای غربی، مرز بین دادرسی‌های کیفری و مدنی به درستی مشخص نیست. در فرانسه، رسیدگی به پرونده‌های کیفری و حقوقی با یکدیگر امکان‌پذیر است. گاهی قاضی صادرکننده رأی شخصاً جریان تحقیقات را به دست می‌گیرد. بنابراین، نظام قضایی کشورهای غربی، انعطاف خوبی در جریان تحقیقات قضایی دارند.^۳

۱. منصور، جهانگیر و حسین زارعی، *تخلّفات اداری (جلد ۱)*، تهران: میزان، ۱۴۰۰، ص ۶۵.

۲. بابایی‌مهر، علی، *حقوق اداری (جلد ۱)*، تهران: مجد، ۱۴۰۰، ص ۱۲۸.

۳. بابایی‌مهر، علی، *حقوق اداری (جلد ۲)*، تهران: مجد، ۱۴۰۰، ص ۷۶.

به علت شکاف در روابط بین دادسرا و دادگاه، به فرض تحقق نیافتن جرم، متهم ممکن است تا زمان صدور رأی قطعی در بازداشت باقی بماند. بنابراین، در تأسیس تحقق نیافتن جرم، همکاری بین دادگاه و دادسرا باید به نوعی مشخص شود که خارج از نوبت و در اسرع وقت، حکم برائت متهم صادر گردد.

از طرف دیگر، رابطه بین ضابطان دادگستری و نظام قضایی نیز باید به درستی مشخص شود. در حال حاضر، ضابطان دادگستری به محض مشاهده وقوع جرم، به مدت مشخص، جریان تحقیقات و بازجویی را آغاز می‌کنند که البته نباید بیش از ۲۴ ساعت به طول بیانجامد و پس از آن باید با کسب اجازه از مقامات قضایی ادامه یابد.^۱ بنابراین، وظیفه ضابطان دادگستری در برخورد با جرایم مشهودی که در حیطه تحقق نیافتن جرم قرار دارد، باید به صراحت مشخص شود.

۱. شیروی، مهسا و حنظله رستمیان، «بررسی نقش اراده در تحقق مسئولیت کیفری در نظریات جرم‌شناختی و تأثیر آن بر مسئولیت کیفری منحرفین جنسی»، مجله علمی - پژوهشی حقوق پزشکی، دوره پنجم، ۱۳۹۰، ص ۵۰.

نتیجه‌گیری

برای فهم اثر تأسیس «موانع تحقق جرم» بر جریان اداری - قضایی رسیدگی به جرایم چنین فرض شد که در صورت تأسیس مورد نظر، تشریفات اداری رسیدگی به جرایم، در دادسرا به ساده‌ترین صورت ممکن رخ خواهد داد که این امر موجب بهینه‌سازی انرژی و زمان در جریان اداری - قضایی می‌شود.

بر مبنای قوانین فعلی، در صورت مخدوش شدن هر یک از عناصر شاکل جرم، جریان تحقیقات متوقف می‌شود و قرار منع تعقیب برای متهم صادر می‌گردد که بر مبنای حقوق اداری - قضایی، امری قانونی به شمار می‌رود. در وضعیت فعلی که تأسیس «موانع تحقق جرم» وجود ندارد، دادسرا ملزم است تا پایان سیر دادرسی، تقاضای تأمین از متهم را داشته باشد.

بر اساس نظر حقوق‌دانان برجسته کیفری، برخی موانع مسئولیت کیفری یا عوامل موجهه جرم، در عمل، از موانع تحقق جرم محسوب می‌شود که قانون‌گذار به اشتباه، تأسیس‌های فعلی را ذکر کرده است. بنابراین، در صورت تأسیس موانع تحقق جرم و اصلاح دو تأسیس فعلی، جریان اداری دادسرا به ساده‌ترین صورت ممکن به کار خود ادامه خواهد داد. این موضوع مهم موجب حمایت از حقوق متهم، مجرم و بهینه‌سازی وقت و هزینه سیستم اداری قوه قضاییه می‌گردد.

مبتنی بر نتیجه این تحقیق به قانون‌گذار کشور پیشنهاد می‌شود که اولاً با تأسیس جدید «موانع تحقق جرم» در «ق.م.ا»، مرز بین سه تأسیس «تحقق جرم»، «موانع مسئولیت کیفری» و «عوامل موجهه جرم» را مشخص کند. ثانیاً با اصلاح برخی مفاد «ق.آ.د.ک» از نظر اداری، سازوکار همکاری بین دادسرا، دادگاه و ضابطان قضایی را برای منع تعقیب متهم غیر مجرم فراهم آورد تا ضمن رعایت حقوق عامه، تشریفات اداری - قضایی پرونده‌های کیفری را ساده‌سازی کند.

فهرست منابع الف) کتاب

۱. آقایی‌نیا، حسین، جرایم علیه اشخاص (جلد ۱)، تهران: میزان، ۱۳۹۵.
۲. امامی، محمد و کورش استوارسنگری، حقوق اداری (جلد ۲)، تهران: میزان، ۱۴۰۰.
۳. بابایی‌مهر، علی، حقوق اداری (جلد ۱)، تهران: مجد، ۱۴۰۰.
۴. بابایی‌مهر، علی، حقوق اداری (جلد ۲)، تهران: مجد، ۱۴۰۰.
۵. طباطبایی مؤتمنی، منوچهر، حقوق اداری (جلد ۱)، تهران: میزان، ۱۴۰۰.
۶. عباسی، بیژن، حقوق اداری (جلد ۱)، تهران: دادگستر، ۱۴۰۰.
۷. عسکری، امیر و بیژن عباسی، سازمان‌های اداری و محلی، تهران: امجد، ۱۴۰۰.
۸. محمدی، حمید، مسئولیت کیفری ناشی از فعل غیر در حقوق کیفری ایران و مصر، تهران: گنج دانش، ۱۳۹۵.
۹. منصور، جهانگیر و حسین زارعی، تخلفات اداری (جلد ۱)، تهران: میزان، ۱۴۰۰.
۱۰. نجارزاده، مجید، کمک حافظه حقوق اداری (جلد ۱)، تهران: دوراندیشان، ۱۴۰۰.

ب) مقاله

۱. آرای، مسعود و فرامرز عطریان، «واکاوی هیئت حل اختلاف ماده ۳۸ قانون اصلاح و تسری آیین‌نامه معاملات شهرداری تهران به کلان‌شهرها و نظارت بر آرای آن»، فصل‌نامه علمی پژوهش‌های نوین حقوق اداری، دوره چهارم، مهر ۱۴۰۱، شماره ۱۲، صص ۱۲۸۱-۱۰۵.
۲. انصاری، علی و حسین دهقانی، «حسن نیت در حقوق دادرسی»، حقوق اداری، دوره چهارم، ۱۳۹۶، صص ۱۰۹ - ۱۳۳.
۳. بیگلری، پویان، «بررسی عنصر روانی جرم بین‌المللی نسل‌زدایی در فقه و حقوق»، پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب، دوره چهارم، ۱۳۹۶، صص ۱ - ۳۰.
۴. خالقی، علی و رجب، محمدعلی، «تحلیل معیار نوعی در عنصر روانی جرم قتل عمدی (مطالعه تطبیقی)»، نشریه حقوق کیفری، دوره چهارم، ۱۳۹۲، صص ۱۲۱ - ۱۴۶.
۵. دانش ناری، زهرا و سید احمد حبیب‌نژاد، «آسیب‌شناسی ساختار و صلاحیت هیئت رسیدگی به امور مراکز فرهنگی: ارائه الگوی مطلوب دادرسی اداری»، فصل‌نامه علمی پژوهش‌های نوین حقوق اداری، دوره چهارم، مهر ۱۴۰۱، شماره ۱۲، صص ۶۲۳۷.

۶. رستمیان، پیمان، محمدحسین حجاریان و حسن‌علی مؤذن‌زادگان، «بررسی سوء نیت در اقسام جنایت در فقه و حقوق ایران»، تحقیقات حقوقی بین‌المللی، دوره دوازدهم، ۱۳۹۸، صص ۹۳ - ۱۱۹.
۷. شیروی، مهسا و حنظله رستمیان، «بررسی نقش اراده در تحقق مسئولیت کیفری در نظریات جرم‌شناختی و تأثیر آن بر مسئولیت کیفری منحرفین جنسی»، مجله علمی - پژوهشی حقوق پزشکی، دوره پنجم، ۱۳۹۰، صص ۴۳ - ۸۳.
۸. صالح‌آبادی، مژگان و حسین توده، «بررسی نقش اراده در عنصر روانی جرم»، سومین همایش ملی پژوهش‌های نوین در حوزه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی ایران، قم، ۱۳۹۶.
۹. غلامی، نبی‌الله، محمود عباسی و سکینه سلطانی کوهبنانی، «مفهوم جنون در قانون مجازات اسلامی؛ موضوعیت یا طریقت»، مجله علمی - پژوهشی حقوق پزشکی، دوره چهل و چهارم، ۱۳۹۷، صص ۷۷ - ۹۴.
۱۰. فتحی، مرتضی، عادل ساریخانی و رضا رضایی، «تأثیر مستی بر مسئولیت کیفری در حقوق کیفری ایران، اسکاتلند و فقه اسلامی»، پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب، دوره هشتم، ۱۴۰۰، صص ۷۹ - ۱۰۶.
۱۱. محمدحسینی، شاپور، محمود مالمیر، محمد اشرافی و مسعود حیدری، «جایگاه علم به قانون در رابطه با ارکان جرم»، تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، دوره یازدهم، ۱۳۹۷، صص ۲۸ - ۵۳.
۱۲. نوبهار، رحیم و محمدرضا خط‌شب، «اراده آزاد به مثابه رکن مسئولیت کیفری در جدال سازگارانگاری و ناسازگارانگاری»، پژوهش‌های حقوق جزا و جرم‌شناسی، دوره یازدهم، ۱۳۹۶، صص ۸۷ - ۱۱۳.

ج) پایان‌نامه

۱. ایمانی، معصومه، «بررسی تطبیقی شاخصه‌های عنصر روانی جرم در نظام حقوقی ایران و انگلستان»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تبریز، ۱۳۹۸.
۲. سکندری، محمد، «بررسی فقهی و حقوقی عنصر روانی جرم با نگاهی به حقوق جزای ایران»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه سیستان و بلوچستان، ۱۳۹۹.
۳. مصباح‌زاده، نجیبه، «تحلیل عنصر روانی جرم در حقوق کیفری ایران و افغانستان و فقه امامیه»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، جامعه المصطفی العالمیه، ۱۳۹۸.

د) قانون و مقررات

۱. آیین‌نامه انضباطی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران، مصوب ۱۳۸۴.
۲. قانون اساسی ایران، مصوب ۱۳۵۸، بازنگری شده در سال ۱۳۶۸.
۳. قانون آیین دادرسی کیفری، مصوب ۱۳۹۴.
۴. قانون به‌کارگیری سلاح توسط مأمورین نیروهای مسلح در موارد ضروری، مصوب ۱۳۷۳.
۵. قانون مجازات اسلامی، مصوب ۱۳۹۲.
۶. قانون مدنی، مصوب ۱۳۱۶، با آخرین اصلاحات.

The effects of the new establishment of barriers to the realization of crime on the administrative - judicial procedures of criminal investigation, from the perspective of administrative law

Pooya Pazhoohi *

MohammadEbrahim ShamsNateri**

Abstract:

To commit a crime, the integration of three psychological, material and legal elements is required. In the current legislative situation, barriers to criminal liability are divided into two categories: factors that justify crime and factors that eliminate criminal responsibility; But the absence of some elements can generally prevent the commission of a crime that is important in the judicial affairs of the prosecutor's office. This research has been done by analytical - descriptive method and its purpose is to investigate the effects of the establishment of new barriers to the realization of crime on the administrative procedures of the prosecutor's office. It was concluded that the boundary between obstacles to the commission of a crime is blurred by the two current establishments mentioned in the Islamic Penal Code, which legally require separation. In the absence of a crime, many criminal proceedings, which are the principles of judicial administrative law, such as the prosecution, security and detention of the accused; It should be canceled and the investigation should take a

*. Graduated from the University of Tehran with a Master's degree in Criminal Law and Criminology.

ppzhwhy71@gmail.com

** .Associate Professor, Department of Criminal Law and Criminology, University of Tehran.

(CorrespondingAuthor)

shkwrymqswd@gmail.com

different path. In fact, the judiciary will not treat the perpetrator as a criminal. In this regard, there is a need for judicial officers to have more complete administrative coordination with the judiciary in order for the administrative procedures of the criminal procedure regarding the mentioned establishment to be properly implemented. Special and detailed consideration of the issue of attribution of crime is also required in the new establishment, which requires close and uninterrupted cooperation between the two judicial institutions of the prosecutor's office and the court.

Keywords: Crime, Criminal responsibility, Constituent elements of crime, Judicial administrative law, Criminal proceedings.